

# تحلیلی درباره

## نهار جمعه



حجة الاسلام والمسلمین  
قدیری



الجمعة " یعنی خورشید به روزی افضل روز جمعه طلوع نکرده است .

با در حدیث دیگر وارد شده :

" مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَتَقَ مِنَ النَّارِ "

یعنی کسی که روز جمعه بمیرد از آتش

آزاد میشود . و این احادیث و غیر اینها

که زیاد است ، اهمیت روز جمعه را میرساند

و معلوم است که این اهمیت دادن برای

خصوصیتی است که در روز جمعه هست ، و

لفظ آن نیز مفهوم میشود ، و آن اجتماعی

است که در این روز حاصل میگردد .

و نیز در حدیث صحیح وارد شده که :

" فَضَّلَ اللَّهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَلَيَّ غَيْرَهَا مِنَ

الْأَيَّامِ وَأَنَّ الْجَنَانَ لَتَنْخَرِفَنَّ وَتَزِينُ يَوْمَ

الْجُمُعَةِ لِمَنْ آتَاهَا ، وَإِنَّكُمْ تَتَسَابِقُونَ إِلَيَّ

الْجَنَّةِ عَلَيَّ قَدْرَ سَبَقْتُمْ إِلَيَّ الْجُمُعَةَ "

یعنی : " خداوند روز جمعه را بر روزهای

دیگر فضیلت داده ، و بهشت روز جمع

عبادی آن نیز به این جهت زیاد بر خورد

میکنیم . چنانکه در باره نماز جماعت ، در

حدیث وارد شده که اگر عدد جماعت از ده

نفر تجاوز کند ، غیر از خداوند تعالی کسی

حساب اجر آن را نمیتواند بکند ، یا برای

حضور در مساجد و نماز خواندن در مساجد

نوابهای عجیب و مهمی ذکر میکند . با

برای ایام مخصوص و اجتماع در آن ایام

مثل اعیاد و جمعات و غیر آنها ، آثار و

برکات و اجر و ثواب زیاد مقرر مینماید .

مثلا ، در حدیث صحیح راجع به روز جمعه

وارد شده :

" إِنْ لَمْ يَخْتَارْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا فَاخْتَارَ

مِنَ الْأَيَّامِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ "

یعنی خداوند از هر چیزی ، چیزی را

اختیار فرمود ، و از روزها روز جمعه را بر-

گزید . یا در صحیح دیگر وارد شده :

" مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمٍ "

از ویژگیهای انقلاب مقدس اسلامی ،

بنای این انقلاب بر مبنای وحدت و یکپارچگی

ملت است . این وحدت ملت بوده که توانست

قدرتهای شیطانی بزرگ را درهم بشکند ؛

و نظام طاغوتی را از بین ببرد ، و نظام

الهی و حکومت اسلامی را جایگزین آن

نماید . و اصولا در این حکومت که زیربنای

آن وحدت است ، به وحدت ارزش بسیار داده

شده ، و تحریص و برعیب زیاد در ایجاد آن

میکند . و انسانها را از اختلاف که منشأ

شکستها و بدبختیها است بر حذر میدارد .

و میتوان گفت : " منشأ حکومت اسلامی

وحدت ، و حکومت اسلامی منشأ وحدت

است . "

احکام بسیاری که در فقه اسلام ملاحظه

میشود ، گذشته از اجتماعات و اخلاقیات

و برنامههای حقوقی و سیاسی آن که خود عامل

مهم در ایجاد وحدت هستند ، در احکام

زینت میشود برای اشخاصی که به نماز جمعه میروند، و هر کدام از شماها که به نماز جمعه سبقت گرفته باشد، زودتر سه بهشت میبرد.

و در حدیث دیگر وارد شده: **"مَا مِنْ قَدَمٍ سَعَتْ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ"**.

یعنی هیچ قدمی به سوی جمعه نشناخت مگر اینکه خداوند جسد او را بر آتش حرام کرد. و احادیث دیگر در این زمینه بسیار است که در آنها ترغیب و تحریص به نماز جمعه شده که به وضوح از آن استفاده میشود که به چه اندازه به وحدت صفوف مسلمین اهمیت داده شده است، و بهترین عامل و حافظ وحدت عبادنهای اجتماعی بخصوص نماز جمعه است.

و بر حسب پیشنهاد بعضی برادران عزیز نظر خوانندگان محترم را به حکم نماز جمعه با استدلالی اجمالی و به طور اشاره جلب میکنم.

نماز جمعه واجب تخییری است، و کفایت از ظهر میکند، و برای بنان آن به مطالب زیر اشاره میشود:

۱- اصل وجوب نماز جمعه اجمالاً از ضروریات فقه بلکه ضروری اسلام است، و روایات زیاد دلالت بر آن دارد، گذشته از اینکه فی الجمله از آیه شریفه نیز استفاده میشود:

**"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَوَدَّى لِرَبِّكُمُ الصَّلَاةَ فَرَسُوا حَرَّتَها فَاذْكُرُوا اللَّهَ وَذُرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ"**.  
ای کسانی که ایمان آوردهاید زمانی که ندا شد برای نماز از روز جمعه، به سوی یاد خدا شتاب کنید و خرید و فروش را رها کنید، این برای شما بهتر است اگر بدانید و چون بحث و کلام در اصل استفاده و کیفیت استفاده از آیه شریفه مفصل است،

و بنای ما بر اشاره اجمالی است، به روایتی که در دلالت صریحتر از آیه مبارکه است اکتفا میکنیم، و آن صحیححه زراره است: **"عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَرِيضَةٌ وَالْإِجْتِمَاعُ إِلَيْهَا فَرِيضَةٌ مَعَ الْأَمَامِ"**.

یعنی نماز جمعه واجب است و اجتماع در آن با امام واجب است. پس اصل وجوب نماز جمعه مسلم است، و از این روایت نیز استفاده میشود.

۲- از شواهد و قرائن استفاده میشود، که این وجوب تخییری است، که از جمله آن اینست که وجوب تعیینی بر همه مکلفین غیر از اشخاصی که در روایات استثنا شدهاند، بسیار بعید بلکه غیر واقع است، چون اجتماع همه افراد عملی نیست، آیا حضور همه مکلفین موجود در تهران برای نماز جمعه عملی است؟ آیا همه افراد مکلف در کوفه، در زمان حضور امیر (ع) برای نماز جمعه حاضر میشدند؟ و هر چه مکانی این جمعیت حاضر میشدند؟ و این نکته متفاوت فریضه قوی بر عدم وجوب تعیینی نماز جمعه باشد، گذشته از اینکه در خود روایات و ادله وارده دربار جمعه قرائن و شواهد دیگری بر میخوریم که مؤید مطلب است و تفصیل آن باید در محلس مورد بحث واقع شود، پس نصار

## بهشت در روز جمعه

### زینت میشود برای

### اشخاصی که

## بنماز جمعه میروند

جمعه واجب تخییری است.  
۳- نماز جمعه کفایت از نماز ظهر میکند و معنای واجب تخییری بودن نماز جمعه همین است، و این معنی در زمان عدم سبطید امام هم هست چه رسد بزمان منا که زمان سبط بد فقیه جامع الشرائط است و برای بنان مطلب یک حدیث از روایات آن را بیان می‌کنیم و آن صحیححه زراره است: **"قَالَ: حُتُّا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَلَيَّ صَلَوةُ الْجُمُعَةِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يَرِيدُ أَنْ نَأْتِيَهُ فَقُلْتُ نَعْدُوا عَلَيْكَ، فَقَالَ لَا، إِنَّمَا عَنَيْتُ عِنْدَكُمْ"**.

یعنی حضرت صادق (ع) ما را بر نماز جمعه تحریص و ترغیب فرمود تا من گمان کردم که میخواهد نور او جمع شویم، پس گفتم اطراف شما جمع شویم فرمود، نه قصد کردم که نزد خودتان نماز جمعه بخوانید، و این حدیث بوضوح دلالت دارد بر سبب کفایت نماز جمعه از ظهر، حتی با عدم سبطید امام و حتی با عدم نصب امام شخصی را برای اقامه جمعه پس قطعاً در مثل زمان ما که ائمه جمعه منصوب از طرف فقیه عادل هستند کفایت میکند.

۴- از آنچه ذکر کردیم معلوم میشود که، وجوب تخییری نماز جمعه و کفایت آن از ظهر بنا بر هر دو قول، منحصی بودن و منحصی نبودن آن ثابت است، زیرا معنای منحصی بودن نماز جمعه اینستکه شرط است در اقامه نماز جمعه که یا خود امام یا منصوب از طرف او باید نماز جمعه را اقامه کند و دیگران حق ندارند نماز جمعه بر پا کنند، و این معنی منافات ندارد، که بر خود امام یا منصوب از طرف او واجب تعیینی نبوده، بلکه تخییری باشد و بر مردم دیگر نیز حضور بنماز جمعه واجب تخییری باشد و ظاهر اینستکه نماز جمعه از متاصب است، چنانکه از روایات استفاده میشود، و از جمله آنها صحیححه زراره گذشته است که زراره عرض کرد (نعدوا علیک) یعنی دور شما جمع شویم، از این عبارت معلوم

میشود نماز جمعه با مقام امامت مربوط است و از جمله روایاتی که دلالت بر منعی بودن نماز جمعه میکند مؤلفه طلحة بن زید است "لَا جُمُعَةَ إِلَّا فِي مِصْرَ تَقَامُ فِيهِ الْحُدُودُ" یعنی نماز جمعه نیست مگر در شهری که در آن اقامه حدود میشود و از این ارتباط معلوم میشود نماز جمعه نظیر اقامه حدود مربوط بحکومت اسلامی و حاکم اسلام است. و معنی منعی بودن نماز جمعه همین است.

و از جمله روایاتی که دلالت بر ایمنی مطلب میکند روایت محمد بن مسلم است: "عن أبي جعفر (ع) قَالَ: تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَلَا تَجِبُ عَلَى أَقَلِّ مِنْهُمْ، الْأَمَامُ، وَقَاضِيهِ، وَالْمُدْعَى حَقًّا، وَالْمُدْعَى عَلَيْهِ، وَالشَّاهِدَانِ، وَالذِّي يَضْرِبُ الْحُدُودَ بَيْنَ يَدَيْ الْأَمَامِ"

معنی: حضرت باقر (ع) فرمودند: نماز جمعه بر هفت نفر از مسلمین واجب میشود امام و قاضی او و کسی که ادعای حقی میکند و کسیکه بر او ادعا شده و دو شاهد و کسی که در خدمت امام حد میزند و دلالت این احادیث بر اینکه نماز جمعه از شئون حکومت و از مشخصات امام است، ظاهراًست و نیز دلیل حکومت و ولایت فقیه عادل دلالت دارد بر اینکه تمام مناصب امام از جمله منصب اقامه جمعه برای فقیه عادل نیز نایب است و میتواند کسانی را برای آن منصوب نماید، بنا بر این در مثل این زمان که ائمه جمعه منصوب از طرف فقیه عادل هستند، وجوب تخیری و کفایت از ظهیر نایب و بی اشکال است.

۵- آنچه ذکر شد که نماز جمعه واجب تخیری است، فقط حکم خود نماز جمعه است، و اما اگر مصالحی باشد که حساب آن مصالح لازم شده که حاکم نماز جمعه بر یا کند و مردم را بنماز جمعه فراخواند، بر مردم

## حضرت باقر (ع)

### قسم یاد کردند که

### اصحاب پیغمبر (ص)

### از روز پنجشنبه برای

### جمعه آماده میشدند

حضور به آن نماز بنحو واجب کفاتی لازم است، مثل زمان ما که میتوان گفت لازم است هر جمعه اقدام باین نماز، و لازم است بر مردم حضور بنمازهای جمعه بعد کفایت که فعلاً این اجتماع سیاسی عمادی عظیم - ترسین سلاح است برای از بین بردن دشمنان اسلام و حکمت و خواری آنان و بالاترین و حمله است برای ایجاد وحدت بین مسلمین که مستکبرین و جهانخواران از آن بیخیم دارند، و اساس پیروزی اسلام و مسلمین ایجاد و اتفاق آنان با توجه بخدا و اعظام بحول الله است.

"وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَتْ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ قَاهِطَمَ بِنِعْمَةِ إِخْوَانًا"

همگی اعصاب بحبل الله یعنی اسلام پیدا کنید، و از تفرقه بپرهیزید، و بساد کنید نعمت خدا را بر شما که با هم دشمن بودید پس خداوند بین قلوب شما الفت و دوستی ایجاد کرد و بسبب نعمت او بسا یکدیگر برادر شدید، و این مختصر فقط بمنظور اشاره بحکم نماز جمعه و کفایت آن از ظهیر بابرهاتی اجنالی بیان شد، و مسئله نماز جمعه از مسائل عمیق و مفصل است که باید در محلی

تحقیق شود، و در خانه نظر برادران خواهران ایمانی را باین حدیث شریفه میبکنم که بدانند برای حضور در نمازها جمعه جقدر باید اهتمام ورزید، روایت جابرین برید "عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: تَوَلَّى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ قَائِمًا إِلَيَّ ذِكْرًا لِلَّهِ، قَالَ: اَعْمَلُوا وَعَجَلُوا يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مَضِيقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ فِيهِ ثَوَابٌ أَكْبَرُ مِنَ الْحَسَنَةِ وَالسَّيِّئَةِ تَفَاعَفَ فِيهِ، قَالَ: وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَغْنَا أَنَّ أَصْحَابَ النَّبِيِّ (ص) كَانُوا يَتَّجِعُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْحَمِيسِ لِأَنَّهُ يَوْمٌ مَضِيقٌ عَلَى الْمُسْلِمِينَ" یعنی جابر میگوید شنیدم از حضرت باقر (ع) از کلام خداوند (بشنابید به یاد خدا) حضرت فرموده عمل کنید و عجله کنید که در روز جمعه بر مسلمین تضییق شده و ثواب اعمال در آن روز بقدری است که بر آنها تضییق شد و ثواب کار خوب در آن روز دوبرابر و کار بد در آن روز دوبرابر است، و حضرت فرمودند: که بخدا قسم بمن رسیده است که اصحاب پیغمبر (ص) از روز پنجشنبه برای جمعه مهیا میشدند برای اینکه جمعه روزی است که بر مسلمین تضییق شده است معنای تضییق در حدیث اینست که مسلمین در این روز وظایفی دارند که باید با اقدام کنند، و کارهای دیگر نمیرسند، لذا اصحاب پیغمبر از روز قبل مهیا میشدند، پس بنماز از برادران و خواهران است که برای حضور در نماز جمعه اهتمام ورزید، بلکه هر چه بیش میرویم بیشتر اهتمام کنیم و از برکات این اجتماع مهم بیشتر بهره ببریم، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

